

# پیروزی‌های انقلاب

## شیعیان عراق

❖ چرا ابراهیم، کوفه یا یکی از شهرهای خراسان، یا  
 شام و مصر را برای مرکزیت انقلاب خود، برگزید؟  
 ❖ چگونه قشرهای مختلف، از نقاط گوناگون به صفوف  
 انقلابیون می‌پیوستند؟

بواسطهٔ موقعیت ویژهٔ این شهر بود که  
 نیروهای حکومت عباسی بر آن تسلط  
 نداشتند و در عین حال یکی از مراکز مهم  
 شیعیان بشمار می‌رفت.

در اینجا ممکن است این سؤال پیش‌آید  
 که چرا ابراهیم شهر «کوفه» یا یکی از

«ابراهیم» رهبرانقلاب شیعیان در  
 عراق، در آغاز سال ۱۳۳ هـ وارد شهر  
 «بصره» شد و بطور سری شروع به اخذ  
 بیعت برای برادرش «محمد» که در  
 حجاز (مدینه) قیام کرده بود، نمود.  
 انتخاب بصره جهت مرکزیت انقلاب،

شهرهای مصر یا خراسان را مرکز انقلاب خود قرار نداد ؟

پیش از آنکه به گسترش دامنه فعالیت ابراهیم پردازیم ، بد نیست برای روشن شدن پاسخ این سؤال ، وضع این مناطق را بطور فشرده مورد بررسی قرار دهیم :

### وضع کوفه ؟

باید گفت: کوفه بهترین شهرها برای مرکزیت انقلاب شیعیان بشمار می رفت زیرا این شهر از زمان خلفای نخستین ، پایگاه تشیع بود و نیز شهری بود که امیر-مومنان (ع) آن را به عنوان مرکز حکومت خود برگزیده بود. (۱)

پس از شهادت او ، مردم کوفه با فرزند بزرگش امام حسن (ع) بیعت کردند. (۲)

پس از اونیز از حسین بن علی (ع) دعوت نمودند تا برای رهبری انقلاب شیعیان بر ضد حکومت اموی، به این شهر وارد شود. (۳)

همچنین کوفه پس از قیام «مختار» که خود را وزیر و نماینده «محمد حنفیه» معرفی می کرد، سرعت نهضت مختار را

۱- تاریخ طبری ج ۵ ص ۱۷۲

۲- البداية والنهاية ج ۸ ص ۱۴

۳- الكامل: ابن اثیر ج ۴ ص ۹

۴- الاخبار الطوال: دینوری ص ۳۶۵

مورد تأیید قرار داد. پس از آن هم کوفه شاهد بسیاری از انقلاب های شیعیان بود که از همه مشهورتر ، انقلاب «زید» (پسر امام چهارم) بود.

و نیز کوفه در اواخر حکومت امویان، در دعوت و قیام عباسیان که بر حسب ظاهر به منظور تشکیل حکومت «آل محمد» بود، سهم بسزائی داشت و پس از پیروزی عباسیان نیز تشکیل این حکومت ، برای نخستین بار ، در کوفه اعلام شد. (۴)

اما ابراهیم با آنکه به همه اینها توجه داشت، نمی توانست این شهر را مرکز انقلاب قرار دهد زیرا منصور با آگاهی از گرایش های دیرینه کوفیان به خاندان علی (ع) ، خود را برای کنترل کوفه آماده نموده و تمام مقدمات و تدارکات لازم را فراهم کرده و این شهر را در میان فشار گاز انبری قرار داده بود.

### حکومت نظامی در کوفه

منصور که همزمان با قیام محمد نفس زکیه در حجاز، سرگرم ساختن شهر «بغداد» بود، به توصیه مشاوران خود ، عملیات شهرسازی را متوقف نموده تمام کوشش خود را صرف بسیج نیرو به منظور درهم شکستن انقلاب های علویان نمود. یکی از مشاوران منصور، به وی گفت :

«مردم شهر کوفه از پیروان محمد (نفس زکیه) هستند و این شهر اکنون دیک جوشانی است که سرپوش آن فقط تو

بردند! (۶)

به قدری اشاره منصور به شیعیان کوفه اوج گرفت که به جرم اینکه از پیروان مذهب تشیع بودند، آنان را عموماً مجبور کرد از لباس سیاه (که شعار عباسیان بود) استفاده کنند و تهدید نمود که هر کس از این دستور سرپیچی کند، شدیداً توبیخ و مواخذه خواهد شد!

مردم، زیر فشار بیرحمانه منصور، همه هجوم آوردند قادر رنگرزی‌ها لباس‌های خود را به رنگ سیاه درآوردند، ولی برای اثر کثرت متقاضیان، رنگرزی‌ها قادر به جوابگویی نشدند، مردم ناگزیر از دکاندارها رنگ گرفته خود اقدام به این کار می‌کردند!

(۷)

باتوجه به این اوضاع و شرایط، ابراهیم نمی‌توانست کوفه را مرکز انقلاب قرار دهد. اینکه بینیم وضع سایر مناطق چگونه بود؟

### شام و مصر؟

مناطق شام نیز به هیچ وجه برای مرکزیت نهضت شیعیان مناسب نبود زیرا مردم شام، به رغم روی کار آمدن حکومت عباسیان، هنوز هم دوستدار و طرفدار بنی‌امیه بودند. اصولاً مردم شام از زمان معاویه، پیوند استواری با امویان داشتند بطوری که در کشمکش‌های میان معاویه و علی (ع) پشت سر معاویه ایستادند، و بر اثر همین پیوند نامقدس بود که زمامداران

سال بیست و یکم شماره ۲

عستی، اینک حرکت کن و در این شهر فرود آی! <sup>۱</sup>

او بدین منظور تا پشت کوفه حرکت کرد و در آنجا با هزار و پانصد نفر سپاهی، شهر را تحت کنترل قرارداد.

رئیس پلیس منصور، هزار و پانصد سپاهی مزبور را به سه گروه پانصد نفری تقسیم کرده مأمور گشت شبانه در محلات مختلف شهر نمود، و توسط گوینده‌ای در تمام شهر اعلام کرد که هر کس پس از تاریک شدن هوا، در سطح شهر، دستگیر شود، خونس هدر است! بدین ترتیب هر کس را که پس از تاریکی هوا در شب دستگیر می‌کردند، در پارچه‌ای پیچیده تا صبح نگه می‌داشتند، و صبح مورد بازجویی قرار می‌دادند، اگر می‌توانست خود را تبرئه کند، آزاد، وگرنه زندانی می‌کردند. (۵)

پس از شهادت محمد، که چشم امید شیعیان به برادر او ابراهیم دوخته شده بود، هر گاه منصور اطلاع می‌یافت که کسی از علاقه‌مندان ابراهیم است، دژخیمان خود را شبانه به خانه او گسیل می‌داشت، جلادان با استفاده از تاریکی هوا و آرامش مردم، به خانه او ریخته وی را به قتل می‌رساندند و انگشتر مخصوص او را به عنوان سند موفقیت اجرای عملیات! نزد وی می‌بردند.

۵- طبری ج ۶ ص ۲۴۷ و ۲۴۸

۶- مدرك گذشته

۷- مقاتل الطالبیین ص ۳۱۹

اموی، در سرکوبی تمام نهضت‌های شیعیان از سپاه شام کمک گرفتند.

مصر هم از این نظر دست کمی از شام نداشت زیرا در زمان حکومت منصور، این منطقه از ثبات سیاسی کامل برخوردار بود و هرگز در حوادث زمان حکومت عباسیان مداخله مثبت و سازنده‌ای نداشت و اصولاً در آن مقطع زمانی، منطقه مصر، سرزمین مناسبی برای پرورش بذر مذهب تشیع بشمار نمی‌رفت زیرا اغلب مردم آنجا از پیروان مذهب تسنن بودند. (۸)

### خراسان ؟

منطقه خراسان در آن هنگام مرکز پیروان عباسیان بود بطوری که نطفه قیام عباسیان در این منطقه بسته شد و رشد یافت و سرانجام بصورت طفل نامشروع حکومت عباسی درآمد.

خلفای عباسی سخت علاقه‌مند به برقراری ارتباط محکم با اهالی خراسان بودند و نسبت به آنان تملق و ستایش و بذل و بخشش می‌کردند، و در جریان انقلاب «محمد نفس زکیه» دیدیم که اکثر نیروهای منصور، در رویارویی با محمد از نیروهای خراسانی تشکیل یافته بود.

۸- الفخری ص ۱۲۸

۹- طبری ج ۶ ص ۲۳۹

۱۰- مقاتل الطالبیین ص ۳۳۷

### گسترش دامنه نفوذ ابراهیم

پس از آنکه ابراهیم فعالیت‌های آشکار خود را آغاز نمود، دامنه نفوذ و تعداد پیروانش افزایش یافت و بسیاری از اهالی شهرها و از آن جمله بسیاری از مردم اهواز به او پیوستند و منصور متوجه این امر شد و تدابیری جهت جلوگیری از حرکت اهوازی‌ها به سوی بصره، به کار بست.

همچنین بسیاری از کوفیان، این شهر را جهت پیوستن به انقلابیون، به سوی بصره ترک گفتند، و با آنکه منصور بشدت از خروج آنها جلوگیری، و رفت و آمدها را کنترل می‌کرد، اما آنان مخفیانه از راههای دیگر و با پیمودن مسافت‌های طولانی، خود را به بصره می‌رساندند، و با آنکه منصور، گروهی از آنان را کشت و برای ارباب کوفیان، سرهای آنان را در بعضی از راههای کوفه آویزان کرد (۹)؛ و با آنکه در راههای اصلی بین شهرها، مأموران مسلح گمارده بود و آنان، رهگذران را بشدت کنترل نموده از آنان تعهد می‌گرفتند که از ابراهیم حمایت نکنند (۱۰)، اما باز هم مردم فوج فوج خود را به شهر بصره می‌رساندند.

دامنه تبلیغات ابراهیم تا منطقه فارس گسترش یافت و گروهی از مردم فارس، نزد او رفتند و اظهار داشتند که ما، عرب نیستیم و با احدی پیمان حمایت نبسته‌ایم، اینک اموالی آورده‌ایم تا در این عملیات از آنها

منظور منصرف ساختن او از حمایت ابراهیم به عمل آورد، ولی او تا دم شهادت ابراهیم، از او پشتیبانی کرد. (۱۳)

### پشتیبانی فقهاء

نقهای آن زمان نیز از انقلاب ابراهیم پشتیبانی کردند، و این امر، در تقویت انقلاب، نقش مؤثری داشت. (۱۴)

یکی از آنان «ابوحنفیه» رهبر معروف فرقه حنفی بود، او آشکارا از ابراهیم پشتیبانی می کرد، و در این زمینه فتوی می داد.

ابوحنفیه ابراهیم را تشویق می کرد که کوفه را مرکز عملیات قرار دهد تا از حمایت شیعیان زیدی برخوردار گردد، او در این زمینه طی نامه ای به ابراهیم نوشت:

«مخفیانه به کوفه وارد شو، زیرا شیعیان شما در اینجا آن قدر توانائی دارند که شبانه منصور را به قتل برسانند و یا او را زنده اسیر نموده نزد تو بیاورند». (۱۵)

و این حمایت ها، خشم منصور را نسبت به فقها برانگیخت و هر کدام به نحوی با عکس العمل او روبرو شدند. (۱۶)

دنباله دارد

استفاده کنی، ابراهیم گفت: هر کس مالی در اختیار دارد، به برادران نیازمند خود بدهد من نیازی به آنها ندارم! (۱۱)

منصور که از پیشرفت چشمگیر نهضت ابراهیم به وحشت افتاده بود، تصمیم گرفت نیروهای خود را برای رویارویی با وی، گرد آورد، از این رو به یکی از فرماندهان خود که در «جزیره» با خوارج می جنگید، دستور داد به کوفه باز گردد، در بازگشت این فرمانده که «داود» نام داشت، گروهی از مردوسی که سر راه او سکونت داشتند، به طرفداری از ابراهیم، راه را بستند و با سپاه او به نبرد پرداختند که با کشته شدن پانصد نفر از اهالی، خاتمه یافت. (۱۲)

همچنین گروهی از بیروان اهل تسنن از فرقه «معتزله» و نیز بسیاری از شیعیان «زیدی» (بیروان زید شهید) که در رأس آنان «عیسی» (بسرزید) قرار داشت، به ابراهیم پیوستند.

در آن هنگام، رهبری شیعیان زیدی با عیسی بود و منصور تلاش بیهوده ای به

۱۱- مدرک گذشته ص ۳۳۳

۱۲- مدرک گذشته

۱۳- مدرک گذشته ص ۳۵۷

۱۴- زهر الاداب: حصری ج ۲

ص ۷۱۰- مقاتل الطالبیین ص ۳۶۶

۱۵- مدرک اخیر

۱۶- مدرک گذشته ص ۳۶۷ و ۱۶۸- تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۳۳۱- ابو جعفر المنصور:

جو مرد ص ۱۹۲